



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۲۷

۱۹ مهر ۱۳۸۱

۱۱ اکتبر ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری کمپینی را علیه اعدام و علیه رژیم وحشی اسلامی سازمان داده است و روز شنبه ۱۹ اکتبر (۲۷ مهر)، میتینگها و تظاهراتی را در کشورهای مختلف برگزار میکند.

حزب عموم مردم آزادیخواه و شریف را به شرکت فعال در این اجتماعات فرامیخواند.

علیه اعدام، متحد و قدرتمند به میدان بیاییم!

جمهوری اسلامی زیر فشار اعتراض فزاینده مردم دارد فرو میپاشد. در ایران خیلی وقت است که ورق برگشته است و بحران حکومتی کل رژیم اسلامی را به دیوار چسپانده است. حکومت اسلامی به مار زخمی ای میماند که به هرسو نیش میزند. برپا کردن چوبه های دار در ملاء عام، راه انداختن بساط وحشیانه سنگسار، شلاق زدن در خیابانها، و دستگیری صدها دختر و پسر در مراسمهای جشن و سرور از جمله روشهایی است که رژیم اسلامی مجبور است با رو آوری مجدد به آنها خودی نشان دهد. امیدوارند که مردم را کمی بترسانند. ۱۰ نفر فقط در ۱۰ روز گذشته اعدام و سنگسار شدند و شایع کردند که بیشتر از این در نوبت اعدام هستند. حداقل دو نفر از اعدام شدگان هفته اخیر از فعالین سیاسی بوده اند که جرم یکی از آنها از طرف جانبان اسلامی توزیع مواد مخدر عنوان شده است.

مردم آزادیخواه

اعدامها و دستگیریها اکنون تماما از استیصال و زبونی رژیم است و باید به نیروی ما در هم شکسته شود. نباید اجازه دهیم رژیم اسلامی در آخرین دوره حیات خود قربانی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ مهر ۸۱، ۱۰ اکتبر ۲۰۰۲

**اعتراضات اتحادیه های کارگری
به جمهوری اسلامی**

صفحه ۴

جنبش سرنگونی و بحران حکومتی جمهوری اسلامی

۲- مبارزه از پائین، "راه حل" از بالا

حمید تقوایی



صفحه ۲

مانیفست جمهوری خواهی آقای گنجی از نظر مضمون و محتوای مباحثی که طرح میکند کاملا فاقد ارزش است. اهمیت این بیانیه در مضمون و محتوای آن نیست، در موضعگیریهای سیاسی آنست. این مانیفست بیانیه بن بست و ورشکستگی خط اصلاح طلبی رژیم است، و از این نظر یک معلق سیاسی و نقطه عطفی در جنبش دو خرداد محسوب میشود. گنجی از اصلاح طلبی دست شسته و اسلام و جمهوری اسلامی را مغایر آزادی و جمهوریت اعلام کرده است. این

**مصاحبه با
علی جوادی
درباره تلویزیون
"برای
یک دنیای بهتر"**

صفحه ۳



اعتراضات کارگری در هفته اخیر

در حاشیه سفر جک استراو

**"بوسه" و سیاست در ایران
از یزد تا برلین!**

مصطفی صابر



صفحه ۲

بوسه یک خانم هنرپیشه بر گونه یک مرد جوان، هنگام پخش جوائز در یک فستیوال سینمایی در یزد، جمهوری اسلامی را به سراسیمه واداشت. از شریعتمداری کبهان، تا حوزه، از سپاه پاسداران تا خود رهبر علیه آن شوریدند، بیانیه صادر کردند، خطبه خواندند، تظاهرات ترتیب دادند، سخنرانی برپا کردند و نعره کشیدند. استاندار یزد و برگزار کنندگان ظاهرا دوم خردادی فستیوال از بوسه اظهار برائت کردند و بر آن لعنت فرستادند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

"بوسه" و سیاست ...

خانم هنرپیشه را بازداشت کردند.

بی‌بی‌سی کوشید توضیح دهد که بوسه مادرانه "بوده است، به یاد شوهرشان" بوده است! جوانان و مردم ایران همه این مرتجعین را البته به تمسخر گرفتند.

اما موضوع بسیار جلی است: در ایران دو فرهنگ متضاد و متعارض وجود دارد. یکی فرهنگ رسمی (و نه فقط دولتی) که میگوید ایران جامعه اسلامی است. دوم فرهنگ مردم و بویژه نسل جوان که شدت مدرن، غربی و ضد اسلامی است. یکی فرهنگ حاکم در مراکز علنی عمومی، جایی که رژیم قدرت دارد. دوم فرهنگ اعتراضی جامعه و هرجا که بندهای استبداد رژیم شل میشود. یکی فرهنگ سرزیزه و اسلام، شرقگرایی، آل احمدی و ایرانی پرستی که در حال زوال است. دیگری فرهنگ مردمی که میخواهند آخرین کلام پیشرفت بشریت و تمدن غربی را در همه زمینه از جمله رفتارهای اجتماعی، موقعیت زن، رابطه جنسی، حقوق مدنی و احترام به انسان و غیره را بر آن جامعه حاکم کنند. بوسه در فستیوال یزد (مستقل از نیت طرفین آن که ربطی به هیچکس از جمله توضیح المسائل نویسنده بی‌بی‌سی ندارد) نشانه ای از آن بود که زور این فرهنگ دومی چنان زیاد است که آن فرهنگ زورکی و رسمی را دارد در خانه اش، در فستیوال دولتی جمهوری اسلامی مورد "تهاجم" قرار میدهد. ترس و وحشت آیت الله ها و توجیه اینکه "مادرانه بوده، نگران نباشید" قابل فهم است.

اما این هنوز تمام پاسخ نیست. سالهاست که جوانان، دختران و پسران دارند فرهنگ ارتجاعی اسلامی شرقگرایی را علنا به تمسخر میگیرند. در خیابان، در سینما، سر کوه، در دانشگاه و مدرسه، در محیط کار، حتی در عاشورا و تاسوعا و در مسجد و خلاصه همه جا. این پنج ساله اخیر روزنامه ها پر است از حملات لشکریان بیشمار "تهاجم فرهنگی"، یعنی مردم، به پایه های حکومت اسلامی. این فرهنگ چنان قوی و تعیین کننده است که دو سه سال پیش در اوج ماه عسل دوم خرداد، وقتی خانم کریستن امان پور به تهران رفت تا رپرتاژی به نفع "پرزیندت خاتمی" و جلادهای روزنامه نگاری مثل جلالی پور تهیه کند، مجبور شد که همین فرهنگ (مثلا زندگی خصوصی دختران و پسران دانشجویی که از لحاظ شعور و فرهنگ و تعالی انسانی با بالاترین معیارهای جهانی قابل مقایسه بودند) را فیلم بگیرد و بکوشد به کیسه خاتمی و اصلاحات بریزد. آنوقت

کسی از مخاربه شدن تصاویری کاملا ضد اسلامی از جامعه ایران اینقدر وحشت زده نشد. حال چه شد که این یک بوسه چنین آقا و انصارش را به لرزه درآورد؟

این دیگر بویژه به اوضاع لحظه حاضر بر میگردد. طی یکی دو ماه اخیر موج جدیدی از اعتراض به جمهوری اسلامی پا گرفته که بی سابقه است. در مرکز این موج جدید حمله آشکار مردم به شیشه عمر جمهوری اسلامی است، به ارزش های اسلامی و اخلاقی جمهوری اسلامی، به جدا سازی زن و مرد، دختر و پسر در دانشگاه و اتوبوس، به آپارتاید جنسی. این حمله در شرایطی قوت میگیرد که رژیم از بالا بشدت بهم ریخته است، اعتراضات کارگری تحرک جدیدی را نشان میدهد و انتشار مختلف مردم در نقاط مختلف به رودرویی آشکار با رژیم کشیده میشوند. رژیم اسلامی بسختی در تلاش برای مقابله با این حمله است. راه انداختن اعدام های علنی، سنگسار و فعال کردن گشت ها و "پلیس ۱۱۰" همه جزئی از یک کوشش سراسیمه و وحشت زده در متوقف کردن حمله به پاشنه آشیل جمهوری اسلامی است. بوسه در فستیوال یزد از نظر آقایان فرصتی به نظر رسید که میتوانند حول آن فضای رعب به راه بیندازند و جامعه را به عقب برانند. خامنه ای در دیدار هفته گذشته اش با سردار محبوب دوم خرداد، قالیباف، راز مساله را روشنتر از همه بر ملا برد. او گفت که "امنیت اخلاقی" نیست. باید به هر قیمت "امنیت اخلاقی" را برقرار کرد.

دو نکته را از آنچه آمد میتوان نتیجه گرفت: اول اینکه، در سطح مقابله فرهنگی رژیم کاملا و منتهاست شکست خورده است. مردم میدانند که این کافی نیست. میدانند برای اینکه این پیروزی فرهنگی را تثبیت کنند و رسمیت بخشند باید رژیم را در سطح سیاسی کاملا به شکست بکشاند، یعنی صاف و ساده به زیرش کشند. اکنون قطعی تر از هر زمان به نظر میرسد زمان تعیین تکلیف سیاسی مردم با حکومت فرا رسیده است. دوم اینکه، پرچمدار آن خلاصی فرهنگی، آن فرهنگ مدرن و انسانی، آن برابری کامل و افراطی زن و مرد، آزادی مناسبات جنسی، جارو کردن همه تاثیرات مخرب اسلامی و شرقی در فرهنگ جامعه، پرچمدار همه اینها تنها یک جنبش معین سیاسی در ایران یعنی کمونیسم کارگری است. رهبر سیاسی طبیعی انقلاب فرهنگی عظیمی که در ایران جریان دارد و آقای خامنه ای و یاران فقط خس و خاشاکی در برابر امواج آن خواهند بود، حزب کمونیست کارگری ایران است. به ادبیات ما، به نوشته های منصور حکمت از همان سال ۵۷ تا برنامه یک دنیای بهتر" رجوع کنید. به دفاع جانانه این

از صفحه ۱

جنبش سرنگونی ...

مواضع، برای جنبش دو خرداد در هیاتی که تا کنون میشناختیمش، حتی برای آن بخش از دو خرداد که امروز بیرونی "خروج از حاکمیت" را بلند کرده اند، خارج از خط و تند و افراطی بحساب میآید. چنین به نظر میرسد که همراه با ترک دولت گنجی دارد جنبش دو خرداد را نیز ترک میکند و سرنگونی طلب میشود، اما این فقط ظاهر قضیه است. گنجی پوشش اصلاح طلبی را کنار گذاشته و به این معنا ختم دوخرداد را اعلام کرده است اما به اهداف آرمان سیاسی دو خرداد، آنچه علت وجودی این جریان است، وفادار مانده است.

اهداف قدیم و شرایط جدید

جنبش دو خرداد از ابتدا جنبشی برای اصلاح جمهوری اسلامی نبود، جنبشی بود که تحت لوای اصلاح طلبی در واقع هدف کنترل و منحرف کردن مبارزات مردم و جنبش سرنگونی طلبانه آنان را دنبال میکرد. هدف و علت وجودی دو خرداد از همان ابتدا مقابله با جنبش سرنگونی بود، و امروز گنجی میخواهد همین هدف را به طریقی دیگر، با کنار گذاشتن پرچم اصلاح طلبی - که در هر حال دیگر کاملا نفع نما شده و بزمن افتاده است - و جایگزین کردن آن با "جمهوری تمام عیار"، دنبال کند.

آنچه در این میان "هزینه" میشود البته خط زدن اسلام از جمهوری است - و در مانیفست کوشش شده این هزینه به حداقل برسد - اما در عوض تحت نام "جمهوری تمام عیار" آلترناتیو و پرچم تازه ای برای کنترل و منحرف کردن جنبش سرنگونی و بویژه خطر رهبری چپ بر این جنبش، که آقای گنجی در کنفرانس برلین از نزدیک آنرا حس کرده است، برافراشته میشود. گنجی تابلوی جمهوری اسلامی را پائین میکشد تا مگر کل عمارت از گزند مردم مصون بماند. جمهوری اسلامی بدون اسلام طرح پوچی است، اما کاربرد این طرح در پیاده شدنش نیست، در مخنوش و تحریف کردن مبارزه مردمی است که نمیخواهند سنگ روی سنگ جمهوری اسلامی باقی بگذارند. این نیز خیال باطلی است، اما راه دیگری در برابر دو خرداد ورشکسته وجود ندارد.

جریان از حقوق زن، حقوق کودک، مبارزه علیه سنگسار، دفاع از جنبش خلاصی فرهنگی جوانان، دفاع از آزادی جنسی و غیره نگاه کنید. کنفرانس برلین، نقش ما و صف

غریق به هر پر کاهی متوسل میشود.

مبارزه از پائین، "راه حل" از بالا

چنین موضعگیریهایی مستاصانه ای از جانب دست اندر کاران و مدافعان حکومتهایی که به بحران حکومتی دچار شده و کلیت نظامشان از جانب جنبش سرنگونی طلبانه مردم زیر سوال رفته است، امری عادی و کاملا قابل انتظار است. در شرایط انقلابی معمولا از میان روزنامه نگاران و وکلا و وزرا و حتی سرکردگان ارتشی که تا دیروز و در شرایط آرامش و سکون سیاسی از حامیان و کارگزاران فعال حکومت بودند، صدای انتقاد و اعتراض به رژیم بحران زده بلند میشود، از رژیم فاصله میگیرند، حسابشان را از آن جدا میکنند و - تمام نکته اینجااست - به مردم "راه حل" های خودشان را ارائه میدهند. نه ازینرو که واقعا، و یا حتی فرصت طلبانه، از گذشته خود پشیمان شده اند و به حکومت و نظامشان پشت کرده اند. بلکه برعکس، به این دلیل که میخواهند آنرا نجات بدهند. تمام حکمت قضیه در واقع در همان "راه حل" هائی است که جلوی مردم میگذارند. در انقلاب ۵۷ بنی احمد و شریف امامی و بختیار را داشتیم و حالا آقای گنجی و طایفه "خروج از حاکمیت" دو خرداها را داریم. هدف و ارزش مصرف مانیفست گنجی مواضعش نسبت به رژیم نیست، بلکه در موضعی است که در قبال مردم و جنبش سرنگونی طلبانه آنان اتخاذ کرده است. آقای گنجی از جمهوری اسلامی فاصله میگیرد تا بتواند راه حل های خودش را ببرد و بفروشد. تر "اصلاح تدریجی و مسالمت آمیز رژیم" کنار گذاشته شده تا بشود مردم را به اعتراض تدریجی و مسالمت آمیز علیه رژیم راضی کرد. تا بشود ببرد گفت "خشونت" نکنید، انقلاب نکنید، از نافرمانی مدنی فراتر نروید، سرنگون نکنید، اجازه بدهید تا ما جمهوریخواهان تمام عیار، با چانه زنی و مذاکره و فراندوم، حکومتی شبیه افغانستان کوزای برایتان از صنوق بیرون بکشیم. این نوع "سرنگونی طلبی" را باید همانقدر جلی گرفت که "اصلاح طلبی" دیروز این آقایان را کسی جلی میگرد. حتی جناح راست رژیم نیز این نوع سرنگونی طلبی را زیاد جلی نمیگیرد. گنجی از خمینی و جمهوری اسلامی عبور میکند اما چماق تکفیر و تحریم جناح راست علیه اش بلند نمیشود. او هنوز جزو خودیهاست.

اگر امروز عسگر اولادی بعد از

طرح جدائی دین از دولت محمد رضا خاتمی دست اتحاد به سمت جبهه مشارکت دراز میکند، کاملا محتمل است که فردا، وقتی فشار جنبش مردم شدیدتر شد، ارزش مصرف طرح جمهوری منهای اسلام گنجی را برود. اوضاع غربی است. دوره غلبان شده است و دوره معلق زندهای محیر العقول فرارسیده است. تعجب نکنید اگر فردا خود جناب عسگر اولادی نیز راسا به صرافت عبور از اسلام بیفتد.

اما اینها همه، هر تصویری گنجی و امثال او داشته باشند، تنها نشاندهنده بن بست و استیصال آنانست. مانیفست جمهوری و یا تاکتیک خروج از حاکمیت یک عمل تعرضی، یک ابتکار عمل سیاسی برای پیشرویهایی بیشتر نیست، این تاکتیک هزیمت و شکست با حداقل تلفات است. هزیمت و شکست در برابر پیشروی جنبش سرنگونی طلبانه مردم.

رقص در پارلمان

مارکس میگوید "در پارلمان که ویالون بزنند، در خیابان مردم میرقصند". در مورد وضعیت امروز جمهوری اسلامی قضیه برعکس است. مردم در خیابانها ساز میزنند و پارلمانیها میرقصند. این اعتراض مردم در خیابانهاست که لائیه ها را به جست و خیز واداشته است. اعتراضات وقعه ناپذیر کارگران و زنان و جوانانی که منتهاست این واقعیت را دریافته اند که باعث و عامل تمامی مشقات آنها وجود جمهوری اسلامی است. این مبارزات، این جنبش عظیم سرنگونی طلبانه، منتهاست به یک فاکتور تعیین کننده در تحولات سیاسی ایران تبدیل شده است. نه تنها جانحینی ها و سیر تحولات درونی حکومت تابع مستقیمی از فشار این جنبش است، بلکه، در وضعیت سیاسی مشخص امروز ایران، جایگاه احزاب و نیروها و شخصیتهای سیاسی نیز اساسا بر مبنای موضع آنان در قبال جنبش سرنگونی طلبانه مردم تعیین و مشخص میشود. و این شاخص هر چه بیشتر به سرنگونی رژیم نزدیک شویم، اهمیت بیشتری پیدا میکند. خصوصیات جنبش سرنگونی طلبانه کلاماست؟ احزاب و نیروها و جنبشهای مختلف سیاسی در قبال آن چه موضعی دارند؟ اینها سولاتی است که در بخش بعد به آنها پاسخ خواهیم داد. ■

و سیما تا اصلاح طلبان داخل حکومت، در یک نکته در مورد کنفرانس برلین توافق داشتند: "همه باهم" فریاد "وا عقتا" سرداندند و احساس "نا امنی اخلاقی" کردند! ■

مصاحبه با علی جوادی درباره تلویزیون "برای یک دنیای بهتر"

هفتگی: اخیرا شما اقدام به دایر کردن تلویزیون "برای یک دنیای بهتر" کرده اید. ضمن تبریک به شما بخاطر این اقدام بسیار مهم، لطفا هدف این تصمیم را توضیح دهید.

علی جوادی: از تبریک شما و از دوستانی بسیاری که ایجاد برنامه‌های تلویزیونی "برای یک دنیای بهتر" را به من تبریک گفتند، متشکرم. اجازه دهید منم از این فرصت استفاده کنم و همین‌جا از همه دوستان و علاقمندانی که آنها را تاکنون ندیده‌ام اما با شروع این برنامه با آنها آشنا شدم، تشکر کنم. هرچند که این برنامه را من تدارک دیدم و شروع کردم، اما مشوق همیشگی من در این زمینه منصور حکمت بود. بدون تشویق های دائمی منصور حکمت این پروژه امروز احتمالا وجود نداشت. بعلاوه همین جا باید از کمکهای فراوان اسعد کوشا که همکاری فنی این برنامه را بعهده دارد، تشکر کنم.

هدف کلی از ایجاد این برنامه تلویزیونی چیزی متفاوت از اهداف عمومی و اعلام شده حزب کمونیست کارگری نیست. اگر تفاوتی باشد، در این است که مسئولیت این برنامه تماما بر عهده من است. ما برای گسترش آراء و نفوذ عقایدمان در جامعه هر روزه نیاز داریم که کانالهای جدید، امکانات جدید، و حوزه‌های جدید ارتباط و تماس با مردم را تعریف و ایجاد کنیم. حزب ما دائما درصدد ایجاد و راه اندازی چنین پروژه‌هایی است. این پروژه‌ای

در چهارچوب عمومی "حزب و جامعه" است. برنامه تلویزیونی "برای یک دنیای بهتر" یکی از این ابزارها و پروژه هاست. ما از این مدیوم همچون سایر مدیوم ها عقاید و آرمانها و تصویر خودمان از یک جامعه مطلوب و انسانی را به اشکال متفاوت بیان میکنیم. جامعه معاصر و تکنولوژی معاصر امکان پیدایش شبکه‌های وسیع ارتباط جمعی و شبکه های رادیو و تلویزیونی ماهواره‌ای را در دو دهه اخیر فراهم کرده است. این ابزارها در دست بورژوازی و نیروهای متفاوت طبقات حاکم، مجموعه‌ای برای تحمیل عقاید و قبولاندن عقاید ضد انسانی و ضد کارگری است. در دست ما اما ابزاری برای بیان حقیقت و دفاع از آزادی و برابری انسانها. ما از طریق این ابزار نیز به مصاف روزمره با جعلیات این جنبشها میرویم. اما تلویزیون ماهواره‌ای ویژگی های خاص خود را دارد که آن را به شدت از سایر مدیوم های ارتباط جمعی متفاوت میکند. مردمی که امکان دسترسی به ماهواره دارند از این طریق میتوانند با رهبران حزب ما بطور بهتری آشنا شوند، آنها را ببینند و پای صحبتشان بنشینند. هدف این برنامه این است که نقطه نظرات حزب و شخصیت‌های حزبی را با تمام خصوصیاتشان در ابعاد میلیونی به درون خانه‌های مردم برود.

هفتگی: در چه محدوده جغرافیایی مردم میتوانند این تلویزیون را ببینند و تمهای برنامه

های آن چیست؟
علی جوادی: قبل از پاسخ به این سؤال شما ناچار شدم با بخش فنی تلویزیون "کانال ۸" تماس بگیرم. خوشحالم که به اطلاعاتان برسام که این برنامه علاوه بر آمریکای شمالی (مکزیک، آمریکا و کانادا) در سراسر اروپا، خاورمیانه، کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای جنوبی شوروی سابق دیده میشود. بعلاوه از طریق اینترنت نیز با مراجعه به سایت روزنه دات کام میتوان این برنامه‌ها را دید.

برنامه های ما عموما شامل چهار بخش هستند. در ابتدا تفسیر سیاسی هفته داریم. سپس به دو گفتگو با رهبران و شخصیت‌های حزب میپردازیم. و در آخر هم به برخی از سؤالات رسیده پاسخ میدهم. در خلال این قسمتها آنگهی سیاسی و موزیک ویدیو نیز پخش میشود. در این گفتگوها از یکطرف به بررسی اوضاع سیاسی و رویدادهای جامعه میپردازیم و از طرف دیگر به بحث و بررسی نقطه نظرات حزب پیرامون مسائل پایهای جامعه.

هفتگی: این تلویزیون چه نقشی میتواند در سیر تحولات ایران ایفا کند؟
علی جوادی: آن حزب اجتماعی که از این ابزار برای پیشبرد اهدافش استفاده میکند میتواند در تحولات آتی نقش ایفا کند. نقش و حضور حزب در تحولات اجتماعی روز به روز در حال گسترش است. حزب ما یک مدعی قدرت سیاسی و یک نیروی تعیین کننده در تحولات آینده ایران است. خوشبختی و

سعادت مردم در فردای جمهوری اسلامی به جایگاه و موقعیت جنبش ما در جامعه گره خورده است.

از تعداد دقیق ماهواره در ایران آمار دقیقی در دست نیست. اما گفته میشود که هر هفته چندین هزار بشقاب ماهواره جدید فقط در تهران توزیع و نصب میشود. اگر کسی از روی یک ساختمان چند طبقه در تهران به سایر پشت بامها نگاه کند "بشقابها" را مانند قارچ خواهد دید. مردم برای دسترسی و اطلاع از اوضاع جهان و بهره مندی از امکانات رسانهای بین المللی هر چه بیشتر به ماهواره روی می‌آورند. ما برای پیشبرد اهدافمان نیازمند گسترش استفاده از این وسیله ارتباط جمعی هستیم.

هفتگی: عکس العمل بینندگان این تلویزیون تاکنون چه بوده و به چه مسائلی بیشتر توجه کرده اند، و شما چه انتظاری از آنان دارید؟
علی جوادی: عکس العمل بینندگان برنامه بسیار مثبت و قابل توجه بوده است. من شخصا انتظار نداشتم که به این سرعت و به این زودی با عکس العمل بینندگان مواجه شوم. در همین مدت کوتاه ایمیل ها و فکسهای بسیاری دریافت کرده‌ام. هر روز که

برنامه پخش میشود چندین پیغام دریافت میکنیم. از حضور ما در این عرصه بسیار شاد و خرسند شدند. از برنامه ها استقبال بالایی کرده‌اند. تعاریف زیاد است. کسانیکه هرگز قادر نشده بودند منصور حکمت را در جلسات حزبی از نزدیک ببینند، از طریق این برنامه سخنرانی‌هایش را در ابعاد میلیونی دیدند. یادش را گرامی داشتند. در کارخانه و سرویس کار و دانشگاه و محل کار و خانه‌ها و محافلشان در این مورد صحبت کرده‌اند. گزارشات دریافت شده ما در این باره حاکی از شور و شوق بسیار علاقمندان است. بسیاری در این مدت کوتاه خواستار افزایش ساعات این برنامه ها شده‌اند. جوانهای بسیاری با ما تماس گرفته‌اند. زنان و دختران بخش عمده تماس گیرندگان را تشکیل میدهند. جامعه ایران تشنه این عقاید و آرمانهاست.

ما از بینندگان خود انتظار داریم که زمان و روز پخش این برنامه را به اطلاع همگان برسانند. نوارهای این برنامه ها را ضبط کنند و تکثیر کنند. با ما در تماس باشند. این آغاز کار ما در این عرصه است. مسلما حزب بزودی در این عرصه حضور قویتر و گسترده‌تری خواهد داشت. ■

ساعات جدید پخش برنامه تلویزیونی بوقت تهران

سه شنبه ۷ شب
جمعه ۳:۳۰ بعدازظهر
یکشنبه ۳:۳۰ نیمه شب



حکومت بوش برای براه انداختن موج کشتار در عراق به ایران روانه شده است. او آمده است تا از دوستی دیرینه خود و حکومت بریتانیا برای خنثی نگه داشتن جمهوری اسلامی هنگام فروریختن بمب بر سر مردم عراق استفاده کند. اما همزمانی سفر او با نمایشی از توحش قرون وسطائی توسط جمهوری اسلامی، در عین حال تصویری بسیار گویا از ریاکاری بی حد و مرز حکومت‌های غربی را آنجا که از انسانیت و حقوق انسانی و مبارزه با تروریسم و دیکتاتوری سخن میگویند پیش چشم هر انسانی میگذارد. دولت بریتانیا و حکومت‌هایی که بنا به مصالح ضد انسانی خویش دست دوستی به

در حاشیه سفر وزیر خارجه بریتانیا به ایران

کاظم نیکخواه

شده اند. این ها گوشه ای و تنها گوشه ای از کارنامه جمهوری اسلامی طی کمتر از یک هفته است. همزمانی سفر وزیر خارجه بریتانیا با این موج کشتار بهیچ وجه رویدادی اتفاقی نیست. جمهوری اسلامی همیشه این چنین عمل کرده است و سالهای سال از حمایت و دوستی دولت بریتانیا و سایر دموکراسیهای غربی برخوردار بوده است. حتی نا همگونی ای میان اهداف آقای استراو از این سفر و موج کشتار در تهران وجود ندارد. او بعنوان پادو سیاستهای

ایران سفر نمود که حکومت اسلامی بار دیگر بساط وحشیانه سنگسار اسلامی را در شهر نرده برپا نمود و یک زن و یک مرد را به نحوی فجیع به قتل رساند. وزیر خارجه زمانی به ملاقات سران حکومت اسلامی میشتابد که دو روز پیش از ورود او دو تن از زندانیان سیاسی در ارومیه به جوخه اعدام سپرده شدند. بنا به بعضی گزارشها هنگام حضور ایشان در تهران نیز جوخه های اعدام و جنایت بیکار نبوده اند و شماری در همین زمان اعدام

جک استراو وزیر خارجه بریتانیا روز پنجشنبه دهم اکتبر به سفر دو روزه خود به ایران و ملاقات با سران جمهوری اسلامی پایان داد. سفر وزیر خارجه بریتانیا به ایران درست در روزهایی صورت گرفت که خبرگزاریها از حلق آویز شدن ۵ نفر در تهران خبر دادند و پیش از آن نیز حلق آویز شدن ۶ تن دیگر را گزارش کرده بودند. آقای جک استراو در روزهایی به

سوی حکومت اسلامی دراز میکنند خود را در برابر توده های مردمی قرار میدهند که مصممانه پا به میدان گذارده اند تا یک بار برای همیشه این بساط نکبت و جنایت را در هم بریزند. بی شک تمام مردم شریف بریتانیا و جهان نیز این ریاکاری را از نظر دور نخواهند داشت. ■

اعتراضات کارگری در هفته اخیر

شهلا دانشفر



نیز به دلیل عدم پرداخت دو ماه حقوق خود و در اعتراض به اخراج تعدادی از کارگران این کارخانه دست به یک راهپیمایی اعتراضی زدند. کارگران معترض در مقابل استانداری شهر تجمع کردند و علی‌رغم حضور نیروهای انتظامی وارد ساختمان استانداری شده و خواهان ملاقات فوری با استاندار شدند و با گرفتن قول رسیدگی به خواسته‌هایشان به تجمع خود خاتمه داده و اعلام داشتند که تا رسیدن به خواسته‌هایشان به حرکات اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

اعتراض کارگران نساجی در کرمانشاه، مقاومت هزاران دستفروش در این شهر در برابر حملات ماموران شهرداری به آنها همراه با گسترش اعتراض در میان دیگر اقشار معترض دیگر از جمله حرکت اعتراضی ۱۵۰۰ دانشجوی علوم پزشکی دانشگاه رازی، به فضا و روحیه اعتراض در این شهر بیش از هر وقت شدت داده است.

کارگران چیت ری نیز در این هفته برای چندمین بار در محل کارخانه دست به تجمعی اعتراضی زدند. در این حرکت اعتراضی کارگران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه شان یکی از سهامداران شرکت را در اتاق نگاهداشته و صاحب کارخانه را وادار کردند که در جمعشان حاضر شود و به اعتراض آنها پاسخ دهد.

مجموعه این اخبار تنها گوشه کوچکی از اعتراضات هر روزه کارگری و جو اعتراضی بالا در جامعه امروز ایران را به نمایش می‌گذارد. نکته قابل توجه در این اعتراضات این است که مبارزات کارگری می‌رود که از مبارزه هر روزه هزاران کارگری که با مشکل دستمزدهای معوقه و یا اخراج روبرویند فراتر رفته و به دیگر بخش‌های کارگری و طرح دیگر خواسته‌های رفاهی کارگران کشیده

اعتراضات اتحادیه های کارگری به جمهوری اسلامی ادامه دارد

بدنبال تماسهای فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در فنلاند و سوئد، اتحادیه کارگران خدمات و شبکه ضد راسیست در فنلاند و اتحادیه کارگران ترانسپورت سوئد به سرکوب کارگران در تظاهرات ۲۵ تیر توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی و همچنین به دستگیری شماری از کارگران و شکنجه آنان در زندان شدیدا اعتراض کرده اند.

آن ماری لیندبری دبیر اتحادیه کارگران خدمات به خاتمی نوشته است: بنا به اخباری که به ما رسیده است، تظاهرات روز ۱۶ ژوئیه (۲۵ تیر) که توسط کارگران سازمان داده شده بود، به شیوه خشنی توسط نیروهای دولتی در تهران مورد تعرض قرار گرفته است. ما شدیداً علیه خودداری حکومت ایران از احترام به شکل های کارگری در ایران اعتراض می‌کنیم. ما همچنین خواستاریم که همه زندانیان سیاسی آزاد شوند.

دبیر اتحادیه کارگران خدمات فنلاند در ادامه از جمهوری اسلامی خواسته است تا به آزادی بیان، تشکل و اعتصاب و حقوق اولیه انسان احترام بگذارد. ماسا دبیر شبکه ضد راسیست در فنلاند در نامه خود خطاب به خاتمی پس از اشاره به سرکوب کارگران در تظاهرات ۲۵ تیر و محکوم کردن آن نوشته است: هیچ توجیهی برای سرکوب تظاهرات کارگران و هر کس که تظاهرات کند وجود ندارد. هر

کس حق بیان عقاید خود و طرح هر پرسشی را دارد. دبیر شبکه ضد راسیست در فنلاند در پایان نامه از خاتمی خواسته است که به حقوق کارگران و اعمال خشونت علیه مردم پایان داده شود. همچنین کنت لیلیفوش رئیس اتحادیه کارگران ترانسپورت سوئد در نامه به خاتمی با اشاره به سرکوب تظاهرات ۲۵ تیر امسال و زندانی شدن و شکنجه شماری از کارگران درخواست کرده است که همه کارگران زندانی فوراً آزاد شوند. او همچنین خواسته است که از طرف دولت حق اعتصاب، آزادی تشکل و آزادی بیان برسمیت شناخته شود.

کمپین بین المللی حزب کمونیست کارگری برای جلب حمایت از مبارزات کارگران در ایران و محکومیت جمهوری اسلامی در سرکوب اعتراضات کارگری، ادامه دارد و هیات ها و فعالین حزب برای پیشبرد این کمپین، با سازمانهای کارگری در کشورهای مختلف ملاقات و گفتگو میکنند. در شرایطی که رژیم اسلامی در آستانه فروپاشی قرار گرفته است، حمایت بین المللی از مبارزات کارگران ایران، عامل موثری در تقویت موقعیت طبقه کارگر در مقابل رادیکال و تاریخی آن علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری و در جدال بر سر قدرت سیاسی در تحولات جاری ایران خواهد بود. ■

یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

شود. همچنین اعتراضات کارگری هر روز شکل تعرضی تری بخود میگیرد و کارگران با اعتماد به نفس بیشتری خواستههای خود را مطالبه میکنند. دامن زدن به جنبش وسیع مجامع عمومی منظم کارگری در سطحی سراسری و

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۸ تا ۸:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی

از طریق ماهواره در تلویزیون کانال ۱

سه شنبه ها، ۸:۳۰ شب بوقت تهران

کورش مدرسی

رئیس دفتر سیاسی حزب

Tel: 0044 7748630833

koorosh@ukonline.co.uk

حمید تقوانی

دبیر کمیته مرکزی حزب

h_taqvaae@yahoo.com

Tel: 001 6478852485

اصغر کریمی

asqar-karimi@ukonline.co.uk

Tel: 0044 7714097928

اسد گلچینی

دبیر کمیته تشکیلات کل کشور

Tel: 0044 7940416768

asad.golchini@ukonline.co.uk

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب

Tel: 0046 739855837

r_hoseinzadeh@yahoo.com

آذر مدرسی

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب

Tel: 0044 7815902237

AzarModaresi@Web.de

بهرام مدرسی

دبیر کمیته مرکزی

سازمان جوانان کمونیست

Tel: 0049 1749440201

bahram-modarresi@web.de

سایت های حزب و نهادهای

نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org

www.m-hekmat.com

www.wpibriefing.com

www.jawanan.org

www.marxsociety.com

www.rowzane.com

www.medusa2000.com

www.hambastegi.org

www.childrenfirstinternational.org

www.iwsolidarity.com

www.kvwpiran.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!